

بررسی کلمات ربط تقابلی فارسی و چگونگی تکوین آن‌ها

مهرداد نغزگوی کهن*

دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

دریافت: ۹۱/۸/۲۰

پذیرش: ۹۱/۱۲/۷

چکیده

در زبان‌ها برای پیوند دادن بندهای هم‌پایه از راهکارهای مختلفی استفاده می‌شود. گاهی فقط معنا و کاربردشناسی، ناظر بر ارتباط دو بند است، ولی در بیشتر مواقع کلمات ربط میان‌بندی هستند که موجب ارتباط دو بند با یکدیگر و ساخت جمله می‌شوند. با توجه به رابطه معنایی دو بند با یکدیگر، انواع مختلفی از کلمات ربط مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ از این جمله می‌توان به کلمات ربط اتصالی، انفصالی، علی، شرطی و تقابلی اشاره کرد. در این مقاله ضمن مقایسه انواع کلمات ربط، به تفصیل، به تعریف و معرفی کلمات ربط تقابلی، ساختار و توزیع آن‌ها در دو بند خواهیم پرداخت. به لحاظ ساختار درونی، کلمات ربط تقابلی را می‌توان به سه گروه «بسیط»، «مرکب پیوسته» و «مرکب گسسته» تقسیم کرد. نکته درخور توجه در فهرست نسبتاً بلند کلمات ربط تقابلی، وجود تعداد زیادی کلمه ربط مرکب، چه از نوع گسسته، چه پیوسته و حتی به صورت جمله است. دلیل این تنوع به نقش تأکیدی کلمات ربط تقابلی مربوط می‌شود؛ این اجزای تقابلی، منشأها و منابع گوناگونی دارند که قسمت پایانی این مقاله را به بررسی همین منابع در زبان‌های جهان و مقایسه آن با منابع کلمات ربط تقابلی در فارسی اختصاص داده‌ایم. براساس شواهد موجود، در زبان فارسی مانند بسیاری از زبان‌ها، کلماتی بامعنای اولیه مکانی، زمانی، علی و تأکیدی در ساخت این کلمات به کار گرفته شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه در زبان فارسی - برخلاف بسیاری از زبان‌های دیگر - از افعال، کلمات پرسشی و شرط نیز برای ساخت کلمات ربط تقابلی استفاده شده است. شواهد و توصیفات ارائه‌شده در این مقاله بیانگر این است که همه کلمات ربط تقابلی، صرف‌نظر از منبع، از رهگذر دستوری‌شدگی به وجود آمده‌اند.

واژگان کلیدی: کلمات ربط، کلمات ربط تقابلی، دستوری‌شدگی، فارسی، اجزای تقابلی.

۱. مقدمه

رابطه معنایی دو بند برای تشکیل یک جمله را از راه‌های مختلفی می‌توان نشان داد. می‌توان دو بند را بدون به‌کار بردن هیچ‌گونه علامتی کنار یکدیگر قرار داد؛ به عبارت دیگر برای اتصال آن‌ها به هم از هیچ کلمه ربطی استفاده نکرد. در این موارد، بار انتقال معنی را کاربردشناسی، یعنی بافت کلامی و موقعیتی، بر عهده می‌گیرد (Mauri and van der Auwera, 2012:379). در زبان‌ها از این بندهای بدون کلمه ربط^۱، بسیار استفاده می‌شود، مثلاً میتون^۲ زبان پرنگی^۳ را مثال می‌زند که در آن از کلمه ربط استفاده نمی‌شود (Mithon, 1988: 334). در زبان فارسی نیز این راهکار برای ارتباط معنایی دو بند به‌کار می‌رود؛ به مثال‌های زیر دقت کنید:

۱. اتفاقات و نوسانات یک سال اخیر در بازار ارز و سکه با همه هزینه‌های سنگینی که به اقتصاد کشور تحمیل کرد، محاسنی نیز داشت^۴.
۲. گشتیم، نبود.
۳. آمدم، نبودید.

در جمله‌های بالا بندها بدون هیچ علامتی و فقط به‌واسطه همجواری^۵ با یکدیگر ارتباط دارند. این ارتباط حاصل تعامل معنای صورت‌های زبانی و معنایی است که از بافت حاصل می‌شود و منتج از فرایندهای کاربردشناختی است. هرچه میزان رمزگذاری کلمات ربط بیشتر باشد، میزان استنتاج^۶ کمتر خواهد بود. همان‌طور که گفتیم، بار ارتباط معنایی بندها در جملات فوق بیشتر حاصل معنایی است که با توجه به فرایندهای کاربردشناختی از بافت، به‌دست می‌آید. البته در زبان فارسی می‌توان رابطه بندها را با کلمات ربط نیز رمزگذاری کرد:

۴. اگرچه ممکن است با موانعی روبه‌رو شویم، اما همه آن‌ها را پشت سر خواهیم گذاشت^۷.

در زبان فارسی می‌توان جملات بدون کلمات ربط را با کلمات ربط نیز آورد؛ در زیر، جملات ۵-۸ را با کلمات ربط آورده‌ایم. در این کاربردها بار کاربردشناختی کم و وظیفه انتقال روابط به کلمات ربط واگذار می‌شود. همان‌طور که از این مثال‌ها پیدا است، گاهی دو بند را با کلمات مختلف و ترتیب متفاوت می‌توان رمزگذاری کرد:

۵. اتفاقات و نوسانات یک سال اخیر در بازار ارز و سکه با همه هزینه‌های سنگینی که به اقتصاد کشور تحمیل کرد، ولی/اما با این حال محاسنی نیز داشت.

۶. اگرچه/ گرچه اتفاقات و نوسانات یک سال اخیر در بازار ارز و سکه هزینه‌های سنگینی به اقتصاد کشور تحمیل کرد، ولی/اما محاسنی نیز داشت.

۷. گشتیم، اما/ ولی نبود.

۸. آمدم، اما/ ولی نبودید.

زبان‌های جهان بیشتر از همین شیوه اخیر، یعنی کلمات ربط آشکار^۱ استفاده می‌کنند. همان‌طور که کرتمن^۲ بیان می‌کند، استفاده از کلمات ربط آشکار بیشتر در نوشتار رایج است و در گفتار از امکانات بافت موقعیت، مثل آهنگ و نشانه‌های فرازبانی استفاده می‌شود (Kortmann, 1997: 46).

در ادامه این مقاله ضمن توصیف انواع مختلف کلمات ربط میان‌بندی و تنها با رویکرد به کلمات ربط تقابلی می‌کوشیم به این مسئله پاسخ دهیم که آیا منابع در زمانی کلمات ربط تقابلی در زبان فارسی در راستای منابعی است که برای دیگر زبان‌های جهان در نظر گرفته شده است؟ یا اینکه می‌توان با توجه به زبان فارسی به فهرست این منابع (مثل فهرست Ramat and Mauri, 2011:658) موارد دیگری را نیز اضافه کرد؟ در پایان این مقاله با آوردن شواهدی نتیجه می‌گیریم که همه کلمات ربط تقابلی - به جز آن‌هایی که قرضی هستند - از رهگذر دستوری‌شدگی به وجود آمده‌اند.^۳

۲. انواع کلمات ربط میان‌بندی

زبان‌شناسان به‌طور کلی معتقد به سه نوع ارتباط اتصالی^{۱۱}، انفصالی^{۱۲} و تقابلی^{۱۳} میان دو بند هم-پایه^{۱۴} هستند (Ramat and Mauri, 2011:654-655). در تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تر، انواع دیگری نیز به این فهرست اضافه شده است؛ مانند شرطی^{۱۵}، زمانی^{۱۶}، علی^{۱۷} و قصدی^{۱۸}. با توجه به وقوع زمانی دو رویداد می‌توان موارد فوق را دسته‌بندی کرد (Mauri, 2008: 80-159). کلمات ربط اتصالی، زمانی، علی و قصدی مربوط به بندهایی هستند که هر دو رویداد به‌طور هم‌زمان می‌توانند به وقوع بپیوندند، درحالی‌که کلمات ربط انفصالی رویدادهای غیرهم‌زمان را به هم متصل

می‌کنند. کلمات ربط شرطی وقوع همزمان احتمالی دو بند و کلمات ربط تقابلی وقوع همزمان متعارض/ ناسازگار دو بند را نشان می‌دهند.^۹ همه این پیوندها را می‌توان در کلمات ربط رمزگذاری کرد. اگرچه تنها کلمات ربط تقابلی موضوع این تحقیق است، برای وارد شدن به بحث، توجه به انواع دیگر کلمات ربط نیز لازم است تا از این رهگذر شناخت بهتری نسبت به کلمات ربط تقابلی به دست آوریم. گفتنی است در انواع مختلف کلمات ربط، معمولاً با بیش از یک کلمه ربط مواجه‌ایم، ولی برای دور نشدن از مبحث اصلی، شواهد محدودی را ارائه کرده‌ایم.

۲-۱. کلمات ربط اتصالی

در دستورهای سنتی اروپایی از کلمه «conjunction» در اشاره به انواع مختلفی از کلمات ربط استفاده می‌کنند (Ramat and Mauri, 2011: 654). در دستوری‌های زبان فارسی نیز اصطلاح «حرف ربط» در همین معنا به کار رفته است (ارژنگ و صادقی، ۱۳۶۲: ۷۷؛ احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۴: ۱۷۰)، ولی در تحلیل ما اصطلاح conjunction تنها ناظر بر نوعی از کلمات ربط، یعنی اتصال است.^{۱۰} همان‌طور که گفتیم، کلمات ربط اتصالی برای ارتباط بندهایی به کار می‌رود که در آن‌ها دو رویداد با هم به وقوع می‌پیوندند. در زبان فارسی، اتصال معمولاً از رهگذر استفاده از کلمه ربط «و» حاصل می‌شود:

۹. در مرداد ماه خود را بیمه تکمیلی کردم و حق بیمه را هم یکجا پرداخت کردم.^{۱۱}

در زبان‌های دیگر نیز از معادل‌های «و» برای بیان اتصال استفاده می‌شود. البته زبان‌هایی در جهان وجود دارند که کلمه ربط اتصالی ندارند، مثل زبان ماری‌کوپا^{۱۲} (Gil, 1991: 96-130). گفتنی است در زبان فارسی از «و» به عنوان کلمه ربط تقابلی نیز استفاده شده است (ر.ک: جمله شماره ۲۴ در همین مقاله).

۲-۲. کلمات ربط انفصالی

کلمات ربط انفصالی دو رویدادی را به هم متصل می‌کند که با هم نمی‌توانند به وقوع بپیوندند. در زبان فارسی از «یا» و معادل‌های آن، مانند «چه... چه» و «خواه... خواه» به عنوان کلمات ربط انفصالی استفاده می‌شود:

۱۰. او الان دارد درس می‌خواند، یا مشغول شنا در استخر است.
 ۱۱. چه خانواده‌اش موافقت کند، چه نکند، با او ازدواج خواهد کرد.
 ۱۲. شب خواه تاریک باشد و خواه روشن، کار کردن در آن مکروه است.

۲-۳. کلمات ربط شرطی

- کلمات ربط شرطی احتمال وقوع همزمان دو رویداد را نشان می‌دهند؛ چنانکه وقوع یکی از رویدادها شرط وقوع دیگری است:
 ۱۳. اگر گرسنه شدی، غذا را بخور.

۲-۴. کلمات ربط زمانی

- این کلمات ربط، ناظر بر رابطه زمانی دو بندی هستند که هر دو به وقوع می‌پیوندند؛ مثلاً کلمه ربط «درحالی‌که» در جمله زیر، همزمانی وقوع را نشان می‌دهد:
 ۱۴. درحالی‌که سیب زمینی پوست می‌کند، به رادیو نیز گوش می‌داد.
 همان‌طور که در زیر نشان خواهیم داد کلمات ربط زمانی می‌توانند منبع سایر کلمات ربط، مثل کلمات ربط تقابلی باشند.

۲-۵. کلمات ربط علی

- این نوع کلمات، دو بندی را به هم متصل می‌کنند که یکی علت و دیگری معلول باشد.
 ۱۵. در امتحان کنکور موفق نشد، زیرا درس نخوانده بود.
 ۱۶. پاشو برو بیرون که صبح شده (نجفی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۲۰۱).

۲-۶. کلمات ربط قصدی

- این کلمات نشان‌دهنده رویداد اولیه‌ای هستند که از روی نیت قبلی برای وقوع رویداد دوم اتفاق افتاده باشد.
 ۱۷. او پاسپورت گرفت تا تعطیلات به دویی برود.
 ۱۸. خوابش نمی‌برد، بلند شد که آب بخورد.

۱۹. شما بهانه می‌آورید، به دنبال بهانه هستید بلکه مذاکرات به هم بخورد.^{۲۳}

۲-۷. کلمات ربط تقابلی

در اینجا به موضوع اصلی این مقاله، یعنی تعریف و معرفی کلمات ربط تقابلی می‌پردازیم. کلمات ربط تقابلی نشانه‌هایی هستند که رابطه تقابلی میان بندها را رمزگذاری می‌کنند (Mauri, 2008: 119-126) و مبین رد انتظارات و مفروضات قبلی هستند. از نظر لانگ^{۲۴} کلمات ربط تقابلی به‌طور ذاتی، اطلاعات قبلی موجود در متن را نشان می‌دهند (Lang, 2000: 245). وی معتقد است که کلمات ربط تقابلی دو رویداد را براساس موضوع مشترک^{۲۵} یا به تعبیر او تلفیق‌گر مشترک^{۲۶} به هم ربط می‌دهند (Idem 1984: 69-79). علاوه‌براین، این کلمات با برجسته کردن رویداد بند دوم، آن را در تضاد با بند اول و اطلاعات قبلی قرار می‌دهد:

۲۰. کامران درس زیادی خواند، ولی در کنکور رد شد.

فرض یا اطلاعات قبلی به ما می‌گوید که کسی که زیاد درس می‌خواند، طبیعتاً در کنکور قبول می‌شود. با به‌کارگیری کلمه ربط «ولی» به شنونده این پیام داده می‌شود که باید منتظر رویدادی باشد که در تقابل با این فرض اولیه قرار دارد.

لانگ معتقد است که ربط دادن دو رویداد به یک فرض یا اطلاعات قبلی، هم از طریق رمزگذاری معنایی و هم سازوکارهای کاربردشناختی صورت می‌گیرد (Ibid).

رمت و مائوری (2011: 655) سه دلیل برای متمایز کردن کلمات ربط تقابلی از کلمات ربط اتصالی و انفصالی آورده‌اند:

۱. کلمات ربط تقابلی به‌لحاظ درون‌زبانی نسبت به اتصال و انفصال، گوناگونی و تنوع بیشتری را از خود نشان می‌دهند؛ به عبارت دیگر در یک زبان معمولاً تعدادی کلمه ربط تقابلی وجود دارد که از نظر نقش تاحدی هم‌پوشی دارند، در صورتی که چنین گوناگونی در اتصال و انفصال دیده نمی‌شود؛ مثلاً در فرانسوی «et» برای اتصال و «ou ou bien» برای انفصال به‌کار می‌رود، ولی تعداد کلمات مربوط به تقابل زیاد است: *toutefois, mais, par contre, alors que, pourtant*.

۲. کلمات ربط تقابلی زودتر و سریع‌تر از اتصال و انفصال، احیا^{۲۷} می‌شوند. منظور از احیا به‌وجود آمدن صورت جدید با نقش مشابه دستوری است. به‌نظر می‌رسد اتصال و

انفصال به لحاظ زمانی پایدارترند. زبان‌های رومی مثال‌های روشنی از چنین اختلافی را نشان می‌دهند.

۳. کلمات ربط تقابلی، نسبت به اتصال و انفصال، آسان‌تر از زبان‌های دیگر وام گرفته می‌شوند.

همان‌طور که در قسمت بعد نشان خواهیم داد، هر سه مورد فوق در زبان فارسی صدق می‌کند. به عبارت دیگر، گوناگونی، توزیع و تعداد کلمات ربط تقابلی فارسی بسیار بیشتر از کلمات ربط دیگر است و پیوسته شاهد اضافه شدن این کلمات از منابع مختلف به این زبان هستیم. علاوه بر این، بعضی از کلمات ربط تقابلی با وام‌گیری، به‌طور مستقیم، از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند، مانند «لیکن»، «علی‌رغم» و ...

۱-۷-۲. ساخت درونی و توزیع کلمات ربط تقابلی

کلمات ربط تقابلی برای قدرت بیانی گوینده اهمیت زیادی دارند؛ چنانکه سخن‌گویان پیوسته به دنبال شیوه‌های جدید و ابداعی برای بیان تأکید بیشتر بر تقابل هستند و با گذشت زمان و با تکرار یک عنصر زبانی برای تأکید، سخن‌گویان به این نتیجه می‌رسند که نقش تأکیدی کلمات ربط تقابلی موجود تضعیف شده است، بنابراین از امکانات جدیدی برای بیان این نقش استفاده می‌کنند و از این‌رو پیوسته به فهرست کلمات ربط تقابلی اضافه می‌شود. ساخت درونی و نیز توزیع این کلمات ربطی جدید در دو بند، همیشه یکسان نیست و با توجه به منشأ اولیه و بافت کاربردی با هم تفاوت دارد. در اینجا براساس ساخت درونی، این کلمات را به بسیط، مرکب پیوسته و مرکب گسسته تقسیم کرده‌ایم^{۲۸}. کلمات ربط بسیط ساخت درونی ندارند. ملاک ما از بسیط بودن، زبان فارسی است؛ چه بسا یک کلمه ربط تقابلی قرضی در زبان مبدأ مرکب باشد، ولی در زبان فارسی بسیط به‌شمار آید. کلمات مرکب ربطی (برخلاف کلمات بسیط) از دو یا چند کلمه تشکیل شده‌اند. هم کلمات بسیط و هم مرکب، تنها در یک بند به‌کار می‌روند و جایگاه آن‌ها معمولاً در آغاز بند دوم است. کلمات ربط گسسته از دو جزء مجزا تشکیل شده‌اند که با فاصله از هم (و معمولاً هر جزء در یک بند جداگانه) به‌کار می‌روند. در سه جمله زیر، به ترتیب کلمات ربط بسیط، مرکب پیوسته و مرکب گسسته آمده است:

۲۱. شهرداری خیلی از پیاده‌روها را سنگفرش جدید کرده و خیلی هم زیبا شده، منتها

خیلی از جاها هنوز به سال نرسیده، نشست کرده است.^{۲۹}

۲۲. نوسان بازار سکه و ارز موجب شد که قیمت برخی از کالاها به طور ناگهانی افزایش پیدا کند؛ در حالی که هیچ توجیهی هم در پس این افزایش قیمت‌ها نیست.^{۳۰}

۲۳. اگرچه گره کور مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ را حتی پیشنهاد طرح گام به گام روسیه نیز نتوانست بگشاید، اما طرفین همواره از انجام مذاکرات حمایت کرده‌اند.^{۳۱}

۲-۷-۲. فهرست کلمات ربط تقابلی

در ادامه، فهرست تعدادی از کلمات ربط تقابلی را ذکر کرده‌ایم که بیشتر متکی بر سه شماره از روزنامه‌های فارسی‌زبان است و بدیهی است که با افزایش پیکره مورد بررسی می‌توان موارد دیگری را نیز به آن اضافه کرد. لازم به یادآوری است که این فهرست هیچ‌گاه نمی‌تواند قطعی باشد، زیرا همان‌طور که قبلاً گفتیم، به دلیل نقش تأکیدی این نوع کلمات ربط، پیوسته شاهد به وجود آمدن صورت‌های تازه تقابلی هستیم.

۲-۷-۲-۱. فهرست کلمات ربط بسیط

کلمات ربط تقابلی بسیط رایج عبارت‌اند از:

«و»، «اما»، «ولی»، «منتها»، «باز»، «البته»، «بلکه»، «لیکن»، «بگویند»، «نگو»، «نکردم» و «که».

نکته جالب توجه در این فهرست، وجود مواردی با ریشه فعلی است که در اینجا نقش فعلی ندارند، زیرا از نظر شخص و شماره به طور کامل صرف نمی‌شوند و زمان دستوری آن‌ها نیز معمولاً قابل تغییر نیست (ر.ک. جملات ۲۶-۲۹). تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، دستورنویسان فارسی از تبدیل افعال به کلمات ربط تقابلی سخنی به میان نیاورده‌اند. به لحاظ توزیع نیز کلمات ربط تقابلی بسیط (به جز چند استثناء) در آغاز بند دوم می‌آیند:

۲۴. هنوز فیلم مطلوبی در این بخش ندیدم که درجه یک باشد و امیدوارم میان آثار بعدی ببینم.^{۳۲}

۲۵. شما هم عمال آمریکایی، منتها ملتفت نیستید!

۲۶. تمام روز را خوابیدم، نکردم درس بخوانم.

۲۷. بگویند یک آن از فکر این بچه غافلم، نیستم (نجفی، ۱۳۸۷: ۲/ ۱۲۳۹).

۲۸. طوری رفتار می‌کرد و حرف می‌زد که انگار دارای تحصیلات عالیه است، نگو تنها سیکل دارد.
۲۹. فکر می‌کردم تمام شب را درس می‌خواند، نگو تلویزیون تماشا می‌کند.
۳۰. در میان سخنانی که درست در یک روز، دو ریش سفید اصولگرا، یکی در قم و دیگری در تهران بر زبان راندند، باز هم هیچ نشانه‌ای از وحدت میان اصول‌گرایان دیده نشد.^{۳۳}
۳۱. ایده‌آل آن است که همه یک راه و یک هدف داشته باشند، البته اینکه همه باید یک نوع فکر کنند، هرگز شدنی نیست.^{۳۴}
۳۲. افزایش قیمت محصولات لبنی به دلیل نوسانات نرخ ارز نیست، بلکه فقط متأثر از افزایش قیمت شیر خام است.^{۳۵}
۳۳. دانشمندان، علما و بزرگان هریک نردبانی برای ترقی دارند، لیکن شاعران و هنرمندان این راه را پروازکنان می‌پیمایند.^{۳۶}
۳۴. قرار بود این متن‌ها را بیاورد که نپذیرفت (نجفی، ۱۳۷۸: ۲/۱۲۰۲).

۲-۷-۲. کلمات ربط تقابلی مرکب

کلمات ربط تقابلی مرکب رایج عبارت‌اند از:

- «گرچه»، «با این وجود»، «ولی با این وجود»، «و با وجود آنکه»، «و در مقابل»، «درمقابل»، «که البته»، «درحالی‌که»، «این درحالی است که»، و «این در حالی است / بود که»، «هرچند»، «هرچند که»، «با این همه»، «با این حال».
- نکته جالب توجه در این فهرست، کاربرد جمله در نقش کلمه ربط است. علاوه‌براین در ساخت بعضی از کلمات ربط، از کلمات پرسشی و شرط نیز استفاده شده است. جایگاه بیشتر کلمات ربط مرکب نیز (مانند کلمات ربط بسیط) در آغاز بند دوم است:
۳۵. اختلاف اصلی در بین اصولگرایان هم شخصی است و هم در برخی موارد دیدگاهی، ولی با این وجود در چنین شرایطی باز هم آیت‌الله مهدوی‌کنی بارها و بارها آن‌ها را به وحدت و به‌نوعی پیوستن به جبهه متحد دعوت کرده.^{۳۷}
۳۶. شنیده‌ها حکایت از آن داشت که افرادی که درآمدی بیش از سه میلیون تومان در ماه دارند از فهرست دریافت‌کنندگان یارانه حذف خواهند شد و در مقابل قطعاً روستاییان، کارمندان،

کارکنان لشکری و آنان که سهام عدالت دریافت کرده‌اند، مشمول این حذف نمی‌شوند.^{۳۸}
 ۳۷. برخی این احکام را مغایر با قانون می‌دانند که البته دلیلی برای اثبات این ادعا وجود ندارد.^{۳۹}

۳۸. نوسان بازار سکه و ارز موجب شد که قیمت برخی از کالاها به‌طور ناگهانی افزایش پیدا کند درحالی‌که هیچ توجیهی هم در پس این افزایش قیمت‌ها نیست.^{۴۰}
 ۳۹. بنای ناسازگاری گذاشته و می‌خواهد مابقی عمرش را در کنار دخترانمان در غربت بگذراند. این در حالی است که من به هیچ‌عنوان حاضر نیستم حتی یک ثانیه از عمرم را در آمریکا بگذرانم.^{۴۱}

کاربرد کلمات ربط مرکبی مانند «با وجود آنکه» و «درحالی‌که»، را در بند اول نیز می‌توان دید:
 ۴۰. با وجود آنکه هنوز هم بودجه خاصی دریافت نکرده‌ایم، دستور تخریب دال‌های بتنی داده شده است.

۴۱. درحالی‌که مسئولان آموزش و پرورش می‌گویند که این نظام نتیجه مطالعات تطبیقی و مقایسه نظام آموزشی کشور ما و ۱۲۳ کشور دنیا است، نگاهی به تاریخ آموزش و پرورش ایران نشان می‌دهد که سیستم «۳-۳-۶» تا سال ۱۳۴۵ ه.ش. در آموزش و پرورش ایران برقرار بوده و نظامی صددرصد بومی است.^{۴۲}

۲-۷-۲-۳. کلمات ربط مرکب گسسته

نگارنده این سطور، در پیکره زبانی مورد مطالعه، به کلمات ربط گسسته زیر برخورد کرده است:

«اگرچه ... اما/ گرچه ... اما»؛ «گرچه ... ولی»؛ «اگرچه ... بااین‌حال»؛ «البته ... اما»؛ «البته ... ولی»؛ «هرچند ... ولی»؛ «هرچند ... اما»؛ «درحالی‌که ... ولی»؛ «درحالی‌که ... اما»؛ «درحالی ... که».
 در اینجا نیز کوشیده‌ایم تا شواهدی ارائه دهیم که کمتر مورد توجه دست‌نویسان بوده است:

۴۲. سیاست سکوت اگرچه موافقانی داشت، با این حال محافظه‌کارترین و کم‌اثرترین شیوه‌ای بود که وزارت امور خارجه در پیش گرفت.^{۴۳}

۴۳. البتّه من قبول دارم هم‌دستی کردم اما عامل اصلی قتل نبودم^{۴۴}.
۴۴. البتّه فعلاً کسی معترض آن‌ها نشده، ولی این به آن معنا نیست که آن‌ها هر کاری که خواستند انجام دهند^{۴۵}.
۴۵. نمایندگان اقتصادی دولت نیز در این شرایط هرچند در بسیاری از مواقع با سکوت به میزبانی انتقادات می‌رفتند، ولی از سوی دیگر بیشترین انگشت اتهام برای برهم‌خوردگی شاخص‌ها در بازار به‌سوی آن‌ها نشانه رفته بود و این ماجرا هنوز هم ادامه دارد^{۴۶}.
۴۶. هرچند بازی با قیمت‌ها در ماه‌های مختلف مکانیزم طبیعی بازار نفت است، اما کاهش بیش از حد مورد انتظار کارشناسان، شائبه بازی سیاسی توسط سعودی‌ها را دامن زده است^{۴۷}.
۴۷. درحالی‌که دم از قانون و حمایت از مستضعفان می‌زنند، اما وقتی منافع خودشان به میان می‌آید، این حرف‌ها رنگ می‌بازد^{۴۸}.

۳-۷-۲. منابع کلمات ربط تقابلی در زبان‌ها

رمت و مائوری (2011:658) با توجه به شواهد موجود از زبان‌های جهان (به‌ویژه زیرشاخهٔ اسلاوی، رومی و ژرمنی زبان‌های هندواروپایی)، شش منبع اصلی در زمانی را برای کلمات ربط تقابلی برشمردند. در جدول شماره ۱ این منابع ذکر شده‌اند. در این جدول تنها مثال‌های مربوط به زبان‌های ژرمنی و رومی را آورده‌ایم:

جدول ۱ منابع در زمانی کلمات ربط تقابلی در زبان‌ها

معنای منبع	مثال
۱. معنای مکانی فاصله (جدایی)، نزدیکی (همان مکان) یا تقابل	کلمهٔ be utan در انگلیسی کهن به معنی «خارج از» بوده و در انگلیسی امروز تبدیل به but «اما» شده است؛ کلمهٔ انگلیسی کهن in stede «در جایگاه» در انگلیسی امروز به صورت instead «به جای آنکه» درآمده است؛ کلمهٔ whereas در انگلیسی در اصل به معنای «در جایی که» بوده و در حال حاضر در معنای «در صورتی که» به کار می‌رود.

ادامهٔ جدول ۱

معنای منبع	مثال
۲. معنای زمانی همپوشانی، هم‌زمانی	While در انگلیسی امروز هم معنای هم‌زمانی «درحالی‌که» دارد و هم معنای تقابلی آن را.
۳. معنای زمانی استمرار (همیشه)	کلمات ایتالیایی tutavia و فرانسوی toutefois با معنای اولیهٔ «همیشه، به‌طور مستمر» به کلمهٔ ربط تقابلی با معنای «با وجود این» تبدیل شده‌اند؛ کلمهٔ انگلیسی still در اصل به معنای «به‌طور مستمر» بوده است و سپس معنای تقابلی «بااین‌همه» را یافته است.
۴. معنای علی (نتیجه‌ای)	کلمهٔ فرانسوی pourtant در اصل به معنای «بنابراین» بوده است و سپس معنای تقابلی «با وجود این» را پیدا کرده است.
۵. معنای تفضیلی (بیشتر، بزرگ‌تر)	کلمهٔ لاتینی magis به معنای «بیشتر» در ایتالیایی به ma و در فرانسوی به mais به معنای «اما» تبدیل شده است.
۶. کلمهٔ تأکیدی که بند دوم را تقویت می‌کند	کلمهٔ انگلیسی in fact «درواقع» در معنای تقابلی «بلکه» یا «البته» به کار می‌رود.

هم کلمات ربط اتصالی و هم کلمات ربط تقابلی رویدادهایی را نشان می‌دهند که هم‌زمان اتفاق می‌افتند، بنابراین بعضی از منابع فوق با منابع ساخت کلمات ربط اتصالی هم‌پوشی دارند^{۴۹} (Ramat and Mauri, 2011: 659).

۴-۷-۲. منابع در زمانی کلمات ربط تقابلی در فارسی

از شش مورد منابع در زمانی که در بالا از آن‌ها یاد کردیم، زبان فارسی بیشتر از کلماتی با معناهای مکانی، زمانی، علی و تأکیدی استفاده کرده است. یعنی همان‌طور که از جدول شمارهٔ ۲ پیدا است، در دو مورد شاهدهی در زبان فارسی یافت نشد.

جدول ۲ منابع کلمات ربط تقابلی فارسی

معنای منبع	مثال
۱. معنای مکانی فاصله (جدایی)، نزدیکی (همان مکان) یا تقابل	استفاده از کلماتی مثل «در» (مکانی) و «این» (که در اصل ناظر بر فاصله نزدیک است) در کلمات مرکب تقابلی «درحالی‌که»، «با این حال»
۲. معنای زمانی هم‌پوشانی، هم‌زمانی	«حال» در کلمات مرکب «درحالی‌که»، «با این حال».
۳. معنای زمانی استمرار (همیشه)	موردی دیده نشد.
۴. معنای علی (نتیجه‌ای)	بعضی از کلمات ربط میان علی و تقابلی مشترک هستند، مثل «که» (در جمله ۱۶، «که» علی است و در جمله ۳۴ «که» معنای تقابلی دارد).
۵. معنای تفضیلی (بیشتر، بزرگ‌تر)	موردی دیده نشد.
۶. کلمه تأکیدی که بند دوم را تقویت می‌کند	«البته» (جمله ۳۱)، «که» (جمله ۳۴): در تعدادی از کلمات نیز همین اجزاء در ساخت کلمات مرکب تقابلی به کار رفته‌اند مثل «که‌البته» (جمله ۳۷)

با توجه به شواهد فارسی می‌توان منابعی را برای این زبان برشمرد که در جدول رمت و مائوری (2011: 658) از آن‌ها ذکری به‌میان نیامده است. در جدول ۳ به‌طور اجمالی منابع مختص فارسی را آورده‌ایم:

جدول ۳ منابع مختص فارسی

معنای منبع	مثال
۱. کلمه بامعنای پرسشی	«چه» در کلمه مرکب تقابلی «اگرچه».
۲. کلمه بامعنای قاموسی فعلی	نگو، نکردم، نکردی، نکرد (مثلاً ر.ک: جملات ۲۶-۲۹)
۳. کلمه بامعنای شرط	«اگر» در کلمه مرکب «اگرچه»

به‌طور کلی نتایج حاصل از مطالعه دقیق منابع کلمات ربط تقابلی در زبان فارسی عبارت‌اند از:

۱-۴-۷-۲. استفاده از کلمات پرسشی در زبان‌های جهان، مخصوص کلمات ربط انفصالی است (Ramat and Mauri, 2011: 657)، ولی در زبان فارسی کلمات پرسشی، هم در کلمات ربط انفصالی (ر.ک: «چه ... چه» در جمله ۱۱) و هم در کلمات ربط تقابلی (مثل «چه» در «اگر-چه... ولی» و ... به کار می‌روند:

۴۸. گرچه بسیار در غربت زندگی کرده‌ام، ولی هرگز هیچ‌کجا غریب نبوده‌ام و غریبی هم نکرده‌ام.^{۴۸}

۲-۴-۷-۲. استفاده از فعل به‌عنوان منبع کلمات ربطی در زبان‌های جهان بیشتر مخصوص کلمات ربط اتصالی و انفصالی است (Ramat and Mauri, 2011: 657)، ولی در زبان فارسی علاوه بر انفصالی (مثل «خواه ... خواه» در جمله ۱۲)، در ربط تقابلی نیز دیده می‌شود (ر.ک. جملات ۲۶-۲۹).

۳-۴-۷-۲. نکته جالبی که به‌اجمال بدان اشاره شد، هم‌پوشی منابع کلمات ربط تقابلی و اتصالی در زبان‌ها است. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست، مثلاً کلمات ربط «و» و «درحالی‌که» هم کاربرد اتصالی و هم کاربرد تقابلی دارند:

کاربرد اتصالی:

۴۹. درحالی‌که مشغول جداکردن میوه‌ها بود، با من حرف می‌زد.

۵۰. خودکار را برداشتم و شماره تلفنش را یادداشت کردم.

کاربرد تقابلی:

۵۱. هنوز فیلم مطلوبی در این بخش ندیدم که درجه یک باشد و امیدوارم در میان آثار بعدی ببینم.^{۴۹}

۵۲. درحالی‌که روسیه از قصد خود مبنی بر وتوی پیش‌نویس قطعنامه غربی-عربی شورای امنیت علیه سوریه خبر داد، مقامات اتحادیه عرب اعلام کردند که دیگر حاضر به اصلاح این پیش‌نویس نیستند.^{۵۰}

نکته: در زبان فارسی از کلمات قرضی زبان عربی نیز به‌عنوان کلمات ربط تقابلی استفاده می‌شود:

۵۳. دانشمندان، علما و بزرگان هریک نردبانی برای ترقی دارند، لیکن شاعران و هنرمندان این راه را پروازکنان می‌پیمایند.^{۵۳}

۵-۲. ماهیت منابع و شیوه تکوین کلمات ربط تقابلی فارسی

از سه منبع ذکرشده برای ساخت کلمات ربط تقابلی در زبان فارسی، دو منبع یعنی کلمات بامعنای شرطی و پرسشی، کلمات نقشی هستند و با تغییر به کلمه ربط، نقش دستوری جدیدی کسب کرده‌اند. در منبع فعلی چنین تغییری را نمی‌بینیم؛ یعنی در این منبع، حرکت و تغییر را از واژگان به دستور مشاهده می‌کنیم. هر دو دسته این تغییرات مواردی از دستوری‌شدگی به‌شمار می‌آیند و کلمات تغییریافته، مشخصه‌های کلمات دستوری شده را از خود نشان می‌دهند. این امر در سایر منابع کلمات ربط تقابلی نیز قابل مشاهده است. طبق نظر بیشتر زبان‌شناسان، دستوری‌شدگی تغییری است که طی آن کلمات قاموسی نقش دستوری می‌یابند یا کلمات دستوری، دستوری‌تر می‌شوند (2: Hopper and Traugott, 2003). مشخصه‌های دستوری‌شدگی بر اثر اعمال اصول دستوری‌شدگی تجسم می‌یابند. این اصول عبارت‌اند از: لایه‌بندی؛^{۵۴} واگرایی؛^{۵۵} خاص‌شدگی؛^{۵۶} ثبات^{۵۷} و مقوله‌زدایی^{۵۸} (Hopper, 1991: 17-35) و نغزگوی کهن، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۵۵ و ۱۳۸۷: ۳-۴).

براساس لایه‌بندی، دو یا چند صورت برای بیان نقش دستوری واحدی به‌کار می‌روند. لایه‌بندی را در کلمات ربط تقابلی به‌خوبی می‌توان دید، زیرا در بسیاری از موارد می‌توان کلمات ربط تقابلی را به جای هم به‌کار برد (مثل کاربرد «ولی»، «ولیکن»، «اما» و ... به جای «هم»). در واگرایی یک صورت واحد دارای دو معنا/نقش متمایز می‌شود. گاهی هر دوی این نقش‌ها دستوری هستند، مثلاً همان‌طور که گفتیم، صورت «که» به‌عنوان کلمه ربط، هم نقش علی دارد و هم نقش تقابلی (ر.ک. جملات ۱۶ و ۳۴). مواردی از واگرایی را نیز داریم که یک صورت واحد در یک بافت، معنای واژگانی و در بافت دیگر معنای دستوری دارد:

۵۴. طوری رفتار می‌کرد و حرف می‌زد که انگار دارای تحصیلات عالی است، نگو تنها

سیکل دارد.

۵۵. رازهایت را به او نگو.

مشخص است که در جمله ۵۴، صورت «نگو» فعل نهی نیست، بلکه کلمه ربط است،

درحالی‌که همین صورت در جمله ۵۵ معنای قاموسی دارد و فعل اصلی به‌شمار می‌آید. در خاص‌شدگی، جزء دستوری‌شده گزینشی‌تر عمل می‌کند و فقط در ساخت‌های خاصی به‌کار می‌رود. مثلاً در جمله زیر:

۵۶. تمام روز را خوابیدم، نکردم درس بخوانم.

صورت «نکردم» تنها با فعل التزامی به‌کار می‌رود؛ یعنی گرچه می‌توانیم تقابل فوق را با کلمه ربط تقابلی دیگری نشان دهیم، ولی کلمه جایگزین‌شده می‌تواند با فعلی که مثلاً التزامی نیست به‌کار رود. البته با جایگزین شدن کلمه ربط جدید، اختلاف معنایی ظریفی نیز ایجاد می‌شود:

۵۷. تمام روز را خوابیدم، ولی درس نخواندم.

اصل ثبات، نشان‌دهنده آن است که رگه‌هایی از معناهای اولیه بعد از دستوری‌شدگی در صورت باقی می‌ماند و تا مدت‌ها قابل بازیابی است:

۵۸. فکر می‌کردم تمام شب را درس می‌خواند، نگو تلویزیون تماشا می‌کند.

در اینجا «نگو» کلمه ربط تقابلی است و در عین حال این معنای ضمنی را دربر دارد که گفتن حقیقت امر به من، ناراحتم می‌کند و ترجیح می‌دهم با این حقیقت که از گفتن حاصل می‌شود روبرو نشوم.

بنابر اصل مقوله‌زدایی، مقوله صورت دستوری‌شده تغییر می‌کند؛ مثلاً در همین جمله اخیر، مقوله فعل، تبدیل به کلمه ربط شده است و دیگر فعل نیست، زیرا همه صیغه‌های فعل «گفتن» در ساخت مذکور کاربرد ندارد:

۵۹. فکر می‌کردم تمام شب را درس می‌خواند، نگویید تلویزیون تماشا می‌کند.

تقریباً همه شواهد و توضیحاتی که در بالا ارائه کردیم، به دیگر کلمات ربط تقابلی نیز قابل تعمیم است و نشان می‌دهد، همه آن‌ها (البته به‌جز تعدادی که قرضی هستند) از رهگذر دستوری‌شدگی منابع اولیه، نقش دستوری تقابلی یافته‌اند.

۳. نتیجه‌گیری

در زبان فارسی از گستره وسیعی از کلمات ربط تقابلی با توزیع‌های مختلف استفاده می‌شود. یکی از مشخصه‌های مهم زبان فارسی، استفاده فراوان از کلمات ربط تقابلی مرکب

پیوسته و گسسته در کنار کلمات ربط تقابلی بسیط است. تنوعی که در ساخت درونی کلمات ربط تقابلی مشاهده می‌شود، قابل مقایسه با تنوع استفاده از منابع در زمانی مختلف برای ساخت این کلمات است. در زبان فارسی، برای ساخت کلمات ربط تقابلی از همه منابع در زمانی مانند کلمات بامعنای زمانی، مکانی، علی و تأکیدی (به جز کلمات با معنای زمانی استمرار و تفضیلی) استفاده شده است. علاوه بر این منابع، راه‌های دیگر ساخت این نوع کلمات، استفاده از افعال و کلماتی بامعنای پرسشی و شرطی است که در زبان‌های دیگر کمتر به کار رفته است. همه کلمات ربط فارسی (به جز تعدادی که قرضی هستند) از رهگذر دستوری‌شدگی به وجود آمده‌اند.

۴. پی‌نوشت‌ها

۱. asyndetic: بعضی از زبان‌شناسان برای این کلمه، معادل فارسی «هم‌پایگی ناآشکار» را به کار برده‌اند (شعبانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۲). نگارنده، به عمد از این معادل استفاده نکرده‌است، زیرا وقتی که گفته می‌شود «ناآشکار»، یعنی کلمه ربطی وجود دارد، ولی ظاهر نشده‌است. درحالی‌که می‌دانیم اصلاً کلمه ربطی نداریم و وظیفه کلمه ربط را کاربردشناسی انجام می‌دهد.
2. Mithun
3. Parengi
۴. برگرفته از روزنامه شرق، ۸ دی ۱۳۹۰.
5. juxtaposition
6. inference
۷. برگرفته از روزنامه آفتاب یزد، ۱۵ بهمن ۹۰.
8. syndetic
9. Kortmann
۱۰. شواهدی که در اینجا مورد استناد قرار گرفته‌اند، عمدتاً مربوط به سه شماره از روزنامه‌های «شرق»، «آفتاب یزد» و «ایران» و نیز فرهنگ فارسی عامیانه ابوالحسن نجفی و همچنین مواد زبانی موجود در اینترنت است که با موتور جستجوی گوگل یافت شده‌اند؛ چنانکه شواهدی که منابع آن‌ها ذکر نشده، مربوط به مورد اخیر است.
11. conjunctive
12. disjunctive
13. adversative

- 14. coordinated
- 15. conditional
- 16. temporal
- 17. causal
- 18. purposive

۱۹. برای توضیحات بیشتر ر.ک. Mauri and van der Auwera, 2012: 37-402.

۲۰. «کلمه ربط» در این مقاله برابر connective در زبان انگلیسی است.

۲۱. برگرفته از روزنامه ایران، ۱۵ بهمن ۹۰.

- 22. Maricopa

۲۳. برگرفته از روزنامه شرق ۸ بهمن ۹۰.

- 24. Lang

- 25. common topic

- 26. common intergrator

- 27. renewal

۲۸. برای توضیح نوع دیگری از تقسیم‌بندی کلمات ربط ر.ک. شعبانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۲.

۲۹. برگرفته از روزنامه شرق ۸ بهمن ۹۰.

۳۰. برگرفته از روزنامه ایران، ۱۵ بهمن ۹۰.

۳۱. برگرفته از روزنامه شرق ۸ بهمن ۹۰.

۳۲. برگرفته از روزنامه ایران، ۱۵ بهمن ۹۰.

۳۳. برگرفته از روزنامه شرق ۸ بهمن ۹۰.

۳۴. همان منبع.

۳۵. همان منبع.

۳۶. به نقل از ویکتور هوگو برگرفته از روزنامه ایران ۱۵ بهمن ۹۰.

۳۷. برگرفته از روزنامه شرق ۸ بهمن ۹۰.

۳۸. همان منبع.

۳۹. همان منبع.

۴۰. برگرفته از روزنامه ایران، ۱۵ بهمن ۹۰.

۴۱. همان منبع.

۴۲. همان منبع.

۴۳. برگرفته از روزنامه شرق ۸ بهمن ۹۰.

۴۴. همان منبع.

۴۵. همان منبع.

۴۶. همان منبع.

۴۷. ر.ک: روزنامه آفتاب، ۱۵ بهمن ۹۰.

۴۸. برگرفته از روزنامه شرق، ۸ بهمن ۹۰.

۴۹. برای توضیحات بیشتر ر.ک: بخش ۲-۷-۴ همین مقاله.

۵۰. برگرفته از روزنامه شرق، ۸ بهمن ۱۳۹۰.

۵۱. برگرفته از روزنامه ایران، ۱۵ بهمن ۹۰.

۵۲. همان منبع.

۵۳. به نقل از ویکتور هوگو برگرفته از روزنامه ایران ۱۵ بهمن ۹۰.

- 54. layering
- 55. divergence
- 56. specialization
- 57. persistence
- 58. decategorialization

۵. منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی ۱*. ویرایش ۲. چ ۲۷. تهران: فاطمی.
- ارژنگ، غلامرضا و علی‌اشرف صادقی (۱۳۶۲). *دستور؛ سال چهارم آموزش متوسطه عمومی فرهنگ و ادب*. کرج: وزارت آموزش و پرورش.
- شعبانی، منصور؛ عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا؛ فردوس آقاگلزاده و ارسلان گلغام (۱۳۸۹). «ساخت همپایگی؛ با نگاهی به زبان فارسی». *ادب‌پژوهی*. پیاپی ۱۳. صص ۱۳۱-۱۵۶.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. ۲ ج. تهران: نیلوفر.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۷). «بررسی فرایند دستوری‌شدگی در فارسی جدید». *دستور*. (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان). پیاپی ۴. صص ۳-۲۴.
- _____ (۱۳۸۹). «چگونگی شناسایی موارد دستوری‌شدگی». *مجله جستارهای زبانی (پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی سابق)*. د ۱. ش ۲. صص ۱۴۹-۱۶۵.
- Gil, David (1991). "Aristotel Goes to Arizona and Finds a Language Without AND". In Dietmar Zaefferer, (Ed.). *Semantic Universals and Universal*



Semantics. Berlin: Foris. Pp. 96-130.

- Hopper, P.J. (1991). "On Some Principles of Grammaticization". In: *Approaches to Grammaticalization*. Traugott E. C. & Heine B. (Eds.). Vol. I. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins. Pp. 17-35.
- ----- & E.C. Traugott (2003). *Grammaticalization*. (2nd Ed.), Cambridge: Cambridge University Press.
- Kortmann, Bernd (1997). *Adverbial Subordination: A Typology and History of Adverbial Subordinators Based on European Languages*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Lang, Ewald (1984). *The Semantics of Coordination*. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins.
- ----- (2000). "Adversative Connectors on Distinct Levels of Discourse: A Re-Examination of Eve Sweetser's Three-Level Approach". In Elizabeth Couper-Kuhlen and Bernd Kortmann (Eds.). *Cause- Condition - Concession – Contrast. Cognitive and Discourse Perspectives*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Mauri, C. (2008). *Coordination Relations in the Languages of Europe and Beyond*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- ----- & J. Van der Auwera (2012). "Connectives". In Keith Allan and Kasia M. Jaszczolt (Eds.). *The Cambridge Handbook of Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press. 377-402.
- Mithon, Marianne. (1988). The Grammaticalization of Coordination. In J. Haiman and S.A. Thompson (Eds.). *Clause Combining in Grammar and Discourse*. Amsterdam: Benjamins. Pp. 331-360.
- Ramat, G. & C. Mauri (2011). "The Grammaticalization of Coordinating Interclausal Connectives". In Heiko Narrog and Bernd Heine (Eds.). *Oxford Handbook of Grammaticalization*. Oxford: Oxford University Press. Pp. 653-664.

Translated Resources:

- Ahmadi-givi, Hasan & Hasan Anvari (2005). *Persian Grammar (1)*. First Edition. 17th Impression. Tehran: Fatemi [In Persian].
- Arzhang, Gholam-reza & Ali-Ashraf Sadeghi (1983). *Grammar*. For the Fourth Grade of High School (Culture and Literature Field of Study). Karaj: Ministry of Education [In Persian].
- Sha'bani, Mansour, Aliye Kord Za'feranlou Kamboziya, Ferdows Aghagolzadeh & Arsalan Golfam (2010) "Coordination Structure: A look at Persian Language". *Adab Pazhuhi*. 13: Pp. 131-156 [In Persian].
- Najafi, Abolhasan (1999). *Persian Slang Dictionary*. 2 Volumes. Tehran: Niloufar [In Persian].
- Naghzguy Kohan, Mehrdad (2008). "A Study of Grammaticalization in New Persian". *Dastur*, Special Issue of *Nameye Farhangestan*. 4: Pp. 3-24 [In Persian].
- Naghzguy Kohan, Mehrdad. (2010). "How to Identify Instances of Grammaticalization". *Journal of Language Related Research (Former Comparative Language and Literature Research)*. 2: Pp.149-165 [In Persian].